

حاکمیت غیر فوتبالی ها

آبها از آسیاب افتاد، هرچه بود تمام شد، چهار سال دیگر با حکومت غیر فوتبالیها و باندها برای فوتبال این مملکت نمیتوان سرنوشت خوبی رقم زد. از ناموران فوتبال باید به خاطر آرائی که در مجمع به صندوقها ریخته شد حلالیت طلبید، کاروان فوتبال همچنان باید لنگ لنگان راه برود و آسمانش ابری و غبارآلود باشد. امتحان دادههای این عرصه همچنان مورد اقبال صاحبان رای هستند، تعجیبی هم در کار نیست چرا که چه انتظاری از غیر فوتبالیها باید داشت؟ توقع اینکه آنها به یک فوتبالی روی خوش نشان بدهند بیجا بوده و مطمئناً شدنی نیست. آیندگان مسلماً از اقدام اهالی مجمع، حیران خواهند شد. آیا تعجب آور نیست که جادوگر فوتبالی که پیراهن یکی از معتبرترین و معروفترین باشگاههای جهان را به تن کرده است رقابت در فوتبال را به یک غیرفوتبالی که تنها ریاست هیئت مدیره یک باشگاه را در کارنامه دارد، ببازد؟ وجدانهای بیدار چگونه در قبال این رفتارها موضعگیری میکنند؟

تخم حکومت و حضور غیرفوتبالیها را چه کسانی در زمین این رشته ورزشی کاشتند؟ چه افرادی زمینه برتری عزیزها بر کریمیها را در یک آزمون انتخاب مدیر فوتبال فراهم کردند؟ کدام گروه با عشق به حضور در فوتبال با هرگونه تغییر در ساختار آن مبارزه میکنند؟ کدام دسته و یا جمعی با برنامهها، اقدامات و نیروهای به کار گرفته، محترمانه صحنه را از فوتبالیها خالی میکنند و میدان را برای جولان دادن خود و نوجهها فراهم مینمایند.

چرا باید نفس کشیدن در فضای فوتبال ایران برای فوتبالیهای ششدانگ و شناسنامه دار سخت باشد. به یادآورید لحظهای را که کریمی میخواست مجمع را ترک کند، چه کسانی او را تشویق کردند و برایش دست زدند و هورا کشیدند؟ همانهایی که به او رأی ندادند، آنهایی که یک چهره ناشناخته در فوتبال را به مرد سال آسیا ترجیح دادند وقتی او خواست جمع آنها را ترک کند برایش ابراز احساسات کردند، شما بگوئید این رفتار آقایان را چگونه میتواند تفسیر کرد و با چه تعابیری آن را تعریف نمود.

حال آن کسی که رئیس شده مدعی است که برای خدمت به فوتبال آمده است. باید نشست و منتظر ماند و دید که تا چه حد به این وعدهاش عمل میکند؟ آیا اجازه پرداختن به بحث خدمت را خواهد داشت؟ از

اولین اقدامش کاملاً مشخص شد که او حفظ بافت فعلی را بیشتر دوست دارد و دلیل این امر ابقای بهاروند به عنوان رئیس سازمان لیگ است.

اگر به این ترتیب پیش برود باید منتظر صدور احکام به برخی از یاران قدیمی و دوستان سال‌های اخیر و به جا مانده از کاروان انتخابات جدید چون عبدالکریم طالقانی و ساکت اصفهانی بود.

اگر چنین گام بردارد امید به بهبودی اوضاع نخواهد بود. او تا چه اندازه به فوتبال مناطق مختلف و استان‌ها آشنایی دارد. اگر فوتبال استان‌ها را در رؤسای هیئت‌هایش خلاصه بکند فاتحه را از هم اینک برای فوتبال باید خواند. اگر بداند و باور کند که فوتبال استان‌ها نیاز به خانه تکانی دارد، نیاز به افراد صادق و راستگو دارد، بخواهد که فوتبال مناطق مختلف کشور را از وجود لمپن‌ها، نوچه پرورها، دروغگوها و متخصصان وعده و کارشناسان تبلیغات پوچ و بی‌اساس پاکسازی کند می‌توان درصدی به امیدواری‌ها افزود و گرنه انتظار تغییر و تحرک، آب در هاون کوبیدن خواهد بود.

عزیزی باید گول زبان‌های چرب، دروغ‌های شاخدار، آمارهای کذایی و قربان صدقه‌های ریاکاران مزور را نخورد و با استقلال و حفظ حرمت فوتبال‌ها برای پاکسازی فضای آن آستین همت بالا بزند. منتظر می‌مانیم تا ببینیم و تعریف بکنیم.